

حمایت از مالکیت فکری در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خارجی

سعیده جوادی**

سید یاسر ضیایی*

چکیده

نظام حقوق مالکیت فکری با وجود اسنادی مانند پاریس، برن و موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مالکیت فکری (ترپیس) به حمایت از آثار فکری اقدام می‌کند. به موازات آن نظام حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خارجی به حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی اقدام می‌کند. برخی از سرمایه‌هایی که با مؤلفه‌ای خارجی وارد کشور سرمایه‌پذیر می‌شود سرمایه فکری است که می‌توان از آن به «سرمایه فکری خارجی» یاد کرد. این پرسش مطرح است که آیا آثار فکری خارجی به عنوان «سرمایه خارجی» در حقوق سرمایه‌گذاری خارجی نیز قابل حمایت هستند یا خیر؟ و اگر چنین است قلمرو و مصادیق حمایت از این آثار در مقایسه این دو نظام حقوقی چگونه خواهد بود؟ در پاسخ باید به تفاوت حمایت نظام حقوق مالکیت فکری و حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در مواردی مانند موضوعات مورد حمایت سرمایه فکری خارجی، مدت حمایت از اموال فکری خارجی و حمایت ملی و بین‌المللی اموال فکری خارجی توجه داشت. آثار فکری خارجی در بسیاری از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی به صراحت مصداق «سرمایه خارجی» محسوب شده‌اند. در این موارد، حمایت‌های این نظام حقوقی فراتر از نظام حقوق مالکیت فکری، برای پدیدآورندگان آثار فکری وجود خواهد داشت. این حمایت شامل رفتار ملی، ملت‌های کامله‌الوداد بدون استثنائات مندرج در کنوانسیون ترپیس و همچنین شرط رفتار عادلانه و منصفانه، شرط داوری و

* دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران - نویسنده مسئول yaserziaee@gmail.com

** کارشناس ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران sjavadi22@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۴

حمایت در مقابل مصادره اضافه بر حمایت‌های موافقت‌نامه تریپس برای پدیدآوردندگان آثار فکری می‌شود. مواردی چون صدور مجوز اجباری و ابطال یا ضبط حقوق مالکیت فکری می‌تواند به عنوان مصادره غیرمستقیم (مصادره خزنده) تلقی شود. در این حالت، استناد به مصادره در چارچوب حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خارجی واجد دو امتیاز غرامت بیشتر و رجوع به سازوکار داوری خواهد بود. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف بررسی امکان اعمال حمایت‌های حقوق سرمایه‌گذاری خارجی بر مالکیت فکری صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خارجی، حقوق بین‌الملل مالکیت فکری، حمایت از مالکیت فکری، معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مالکیت فکری (تریپس).

مقدمه

پیش از گسترش و توسعه معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، اشاره به حقوق مالکیت فکری ویژگی معمول موافقت‌نامه‌های مودت، تجارت و دریانوردی بوده است. شاید اولین نمونه مربوط به پیمان مودت، تجارت و دریانوردی بین آمریکا و چین، مورخ ۱۹۰۳ باشد که شامل حمایت از حق مؤلف بود. در برخی از معاهدات از اصطلاح «حقوق ناملموس» استفاده می‌شد، در حالی که در برخی دیگر صریحاً حق اختراع، حق مؤلف و علائم تجاری ذکر می‌شدند. در برخی موارد در مقدمه معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری^۱ به حقوق مالکیت فکری اشاره می‌شد. با وجود لازم‌الاجرا نبودن مقدمه معاهده، مقدمه به موجب بنده ۲ ماده ۳۱ کنوانسیون وین راجع به حقوق معاهدات مورخ ۱۹۶۹ جایگاه شایسته‌ای در تفسیر معاهده دارد (Liberti, 2010: 6). ایالات متحده آمریکا مقررات مالکیت فکری را از اوایل دهه ۱۹۸۰ وارد معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری کرد (Correa, 2004: 4). در واقع، این کشور زمانی اقدام به این کار کرد که کشورهای درحال توسعه اصرار زیادی بر حق مصادره دارایی‌های متعلق به خارجیان داشتند. از طریق این معاهدات آمریکا، اتحادیه اروپا و کشورهای توسعه‌یافته

1. Bilateral Investment Treaty (BIT)

مختلف حمایت از حقوق مالکیت فکری را فراتر از حداقل استانداردهای بیان‌شده در تریپس^۱ تقویت کردند. در اغلب موارد موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد^۲ نیز به صراحت حقوق مالکیت فکری را مشمول حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی دانسته‌اند. معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری گاهی اوقات تحت عنوان اقدامات تریپس-پلاس^۳ شناخته می‌شوند، زیرا این معاهدات تعهدات اضافی بر استانداردهایی که قبلاً در موافقت‌نامه تریپس مورد توافق واقع شده‌اند تحمیل می‌کنند (2: Vivas-Eugui, 2003).

هرچند حمایت بین‌المللی از اموال فکری اصولاً در چارچوب حقوق بین‌الملل مالکیت فکری مورد بررسی قرار می‌گیرد اما پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که حمایت از اموال فکری تا چه اندازه در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری مورد حمایت است؟ با بررسی قلمروی حمایت از این اموال در در چارچوب حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و مصادیق این حمایت، مشخص می‌شود که حمایت از اموال فکری در این چارچوب نه تنها امکان‌پذیر است، بلکه امتیازات بیشتری برای حمایت از این اموال در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری وجود دارد. برای این منظور، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با گردآوری اطلاعات معاهداتی و رویه قضایی بین‌المللی و دکتین، ابتدا جایگاه اموال فکری را به عنوان مصداقی از سرمایه خارجی مورد حمایت حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خارجی و سپس قلمرو و مصادیق حمایت از اموال فکری در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. اموال فکری به مثابه «سرمایه» در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خارجی

یکی از اهداف اصلی دولت‌های سرمایه‌پذیر در حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، نقش این فعالیت‌ها در توسعه علمی و فناوری و اقتصادی کشور میزبان است.^۴

1. Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS)

2. Free Trade Agreements

3. TRIPS-Plus

۴. همان‌طور که ماده ۲ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی ایران مورخ ۱۳۸۰ بیان می‌کند: «پذیرش

سرمایه‌گذاری خارجی... بر اساس ضوابط زیر صورت می‌پذیرد: الف- موجب رشد اقتصادی، ارتقاء فن‌آوری و ... شود».

مهم‌ترین شیوه برای این هدف، انتقال دانش فنی از سوی سرمایه‌گذار خارجی است. حمایت از دانش فنی در قالب اختراعات، طرح‌های صنعتی و سایر حقوق مالکیت فکری، موجب افزایش نرخ سرمایه‌گذاری خارجی و تحقیق و توسعه^۱ شرکت‌های سرمایه‌گذار می‌شود (Hindmanm, 2006: 476) (ن. ک. باقری و باقری، ۱۳۹۲). در مقابل حمایت ضعیف از حقوق مالکیت فکری یکی از دلایل حجم اندک سرمایه‌گذاری‌ها توسط خارجی‌ان است (مهدوی و برخوردار، ۱۳۸۷: ۳۵). به همین جهت، در بسیاری از اسناد ملی و بین‌المللی به حمایت از این نوع سرمایه‌های خارجی اشاره شده است. در مواردی نیز به مصادیق اموال فکری اشاره نشده است. در هر دو صورت، اموال فکری چنانچه از ویژگی‌های سرمایه خارجی مندرج در اسناد ملی و بین‌المللی برخوردار باشد قابل حمایت خواهد بود.

در چهار دسته از اسناد حقوق سرمایه‌گذاری خارجی یعنی معاهدات چندجانبه سرمایه‌گذاری، معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی، موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی و قوانین تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی به اموال فکری به عنوان سرمایه خارجی تصریح شده است که برخی در ذیل اشاره می‌شود.

مفهوم «سرمایه» در رویه داوری ایکس‌سید شامل هر منبع مالی مهم یا انتقال دانش فنی، تجهیزات و نیروی کار است که توسط سرمایه‌گذار آورده شود (Biadegleng, 2006: 15-16). بند ۲ ماده ۲ موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری چندجانبه^۲ نیز بیان می‌دارد سرمایه به معنای هر نوع از دارایی است که توسط یک سرمایه‌گذار به صورت مستقیم یا غیرمستقیم اداره یا کنترل می‌شود که شامل موارد زیر می‌شود: ... (۴) حقوق مالکیت فکری... (۷) حقوق اعطا شده به موجب قانون یا قرارداد مثل امتیازات، ليسانس‌ها، مجوزها و اجازه‌نامه‌ها (۸) هر مال ملموس یا غیرملموس، منقول یا غیرمنقول و هر حقوق مربوط به مالکیت مانند اجاره، رهن، وثیقه، ضمانت (Biadegleng, 2006: 14).

معاهدات الگوی دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی برخی کشورها اساساً اموال

1. Research and Development (R & D)
2. Multilateral Investment Agreement

فکری را در زمره مصادیق سرمایه خارجی در نظر گرفته‌اند. ماده ۱ معاهده الگوی سرمایه‌گذاری چین مورخ ۲۰۰۳ بیان می‌دارد اصطلاح سرمایه‌گذاری به معنای هر مال سرمایه‌گذاری شده به وسیله سرمایه‌گذاران متعاقد است که شامل موارد زیر می‌شود: ... (د) حقوق مالکیت فکری به خصوص حق مؤلف، اختراعات، علائم تجاری، نام‌های تجاری، فرآیندهای فنی، دانش فنی و سرفقلی (Boie, 2010: 7). بخش الف ماده ۱ معاهده الگوی سرمایه‌گذاری ایالات متحده آمریکا مورخ ۲۰۰۴ بیان می‌دارد «اقسامی که یک سرمایه‌گذاری ممکن است انجام شود، عبارت‌اند از: ... (و) حقوق مالکیت فکری... (ح) سایر اموال ملموس یا ناملموس، منقول یا غیرمنقول و حقوق مالکیت مرتبط مثل رهن، وثیقه و ضمانت» (Brown and Miles, 2011: 469).

اولین معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری که در تاریخ ۱۹۵۹ بین آلمان و پاکستان منعقد شد بیان می‌کند: «۱. الف) اصطلاح سرمایه‌گذاری شامل ... حق اختراعات و دانش فنی می‌شود». در برخی موارد این فهرست تفصیلی تر است؛ بند د ماده ۱ معاهده سرمایه‌گذاری آمریکا و پاناما مورخ ۱۹۸۲ در تعریف دارایی مورد حمایت این گونه بیان می‌کند: دارایی شامل ... ۲) حقوق مالکیت فکری و صنعتی شامل حقوق مربوط به حق مؤلف، حق اختراعات، علائم تجاری، نام‌های تجاری، طرح‌های صنعتی، اسرار تجاری، دانش فنی و سرفقلی (Boie, 2010: 7). بند ۱ ماده ۱ معاهده سرمایه‌گذاری خارجی بین ایران و ترکیه سرمایه‌گذاری را این گونه تعریف می‌کند «اصطلاح سرمایه‌گذاری عبارت است از به کارگیری: ... ت) حقوق مالکیت صنعتی و معنوی از قبیل حق اختراع، نمونه‌های کاربردی، طرح‌ها یا نمونه‌های صنعتی، علائم و اسامی تجاری، دانش فنی و حسن شهرت تجاری». مصادیق مالکیت فکری در برخی معاهدات تجارت آزاد مانند موافقت‌نامه تجارت آزاد امریکای مرکزی (کفتا)، موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد سوئیس و ژاپن، استرالیا و امریکا، سنگاپور و امریکا (Ruse – Khan, 2010: 15) و شیلی و امریکا (Correa, 2004: 8) آمده است.

حمایت از مالکیت فکری در چارچوب سرمایه‌گذاری خارجی مورد توجه قوانین داخلی کشورها نیز بوده است. به طور مثال، بند د ماده ۱ قانون تشویق و حمایت از

سرمایه‌گذاری خارجی ایران مورخ ۱۳۸۰ در تعریف سرمایه‌گذاری خارجی به ورود حق اختراع، دانش فنی، اسامی و علائم تجاری و خدمات تخصصی اشاره کرده است. اما اولین ویژگی مفروض سرمایه‌گذاری خارجی در اسناد ملی و بین‌المللی، ورود سرمایه از خارج است. معیارهایی مانند «تابعیت» و «منشأ» سرمایه در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی و حقوق داخلی کشورها برای «سرمایه خارجی» تعیین شده است و لذا برای خارجی دانستن اثر فکری باید معیار مناسب را ملاک قرار داد.^۱ لذا چنانچه اموال فکری فاقد ویژگی مذکور باشد از حمایت حقوق سرمایه‌گذاری خارجی محروم خواهد بود.

علاوه بر این، لازم است سرمایه‌گذاری خارجی طبق برخی اسناد ملی و بین‌المللی، واجد ویژگی‌های دیگری نیز باشد. به طور مثال، رویه داوری ایکسید در قضایای فداکس و سالینی چهار مؤلفه ورود سرمایه، دوره زمانی مشخص برای پروژه، وجود ریسک عملیاتی و توسعه دولت میزبان را در سرمایه‌گذاری خارجی لازم می‌داند (دالزر و شروئر، ۱۳۹۱: ۱۷۶). هرچند نفس به کارگیری اموال فکری خارجی می‌تواند موجب انتقال دانش و توسعه دولت میزبان شود، اما ممکن است سایر شرایط لازم در تعریف سرمایه‌گذاری را نداشته باشد. لذا اموال فکری در مواردی که در قالب یک عملیات تجاری در کشور میزبان اجرا نمی‌شود و فاقد ویژگی‌های سرمایه‌گذاری خارجی است، مورد حمایت حقوق سرمایه‌گذاری خارجی نخواهد بود (Boie, 2010: 9).

چنانچه سرمایه فکری، ویژگی‌های سرمایه خارجی طبق معاهدات بین‌المللی را داشته باشد از حمایت معاهده مربوطه بهره‌مند خواهد شد و چنانچه ویژگی‌های مذکور در قانون داخلی کشور میزبان را نیز داشته باشد از امتیازات بیشتری طبق قانون داخلی آن کشور بهره‌مند خواهد شد. به طور مثال، طبق بند د ماده ۱ معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری ایران و چین مورخ ۱۳۸۳، صرف به کارگیری مالکیت فکری (صنعتی و

۱. به طور مثال ماده ۱ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی ایران مورخ ۱۳۸۰ خارجی بودن منشأ سرمایه را ملاک قرار داده است.

معنوی) توسط سرمایه‌گذار چینی در ایران موجب حمایت معاهده مذکور از این اموال خواهد شد و چنانچه این سرمایه‌گذاری طبق ماده ۲ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی ایران مورخ ۱۳۸۰ مفید در عمران و آبادی و فعالیت تولیدی کشور نیز باشد مشمول حمایت‌های بیشتر مندرج در این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن مورخ ۱۳۸۱ قرار خواهد گرفت.

۲. قلمروی حمایت از مالکیت فکری در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خارجی

با وجود آنکه حقوق مالکیت فکری یکی از موضوعات اساسی و مورد حمایت در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری است، اما میزان حمایت از آن تحت تأثیر برخی موضوعات حقوقی تغییر می‌کند که در ذیل به آن اشاره می‌شود.

اول- موضوعات مورد حمایت اموال فکری خارجی: برخی اموال فکری مانند حق اختراع، طرح صنعتی و علائم تجاری از «اصل سرزمینی بودن» تبعیت می‌کنند؛ یعنی طبق حقوق مالکیت فکری برای اعطای حق نیاز است که درخواست ثبت در کشورهای مختلف به طور جداگانه صورت گیرد. ممکن است حق موردنظر تنها در یک کشور عضو معاهده سرمایه‌گذاری خارجی مورد حمایت باشد (Mercurio, 2012: 876)

در برخی دولت‌ها اختراعات تنها زمانی سرمایه‌گذاری تلقی می‌شوند که دولت میزبان رسماً حق اختراع مربوطه را اعطا کند (Boie, 2010: 9). در مقابل، در برخی دولت‌ها اختراعات بدون ثبت هم می‌تواند سرمایه‌گذاری تلقی شود.^۱ در این موارد یک «سرمایه فکری خارجی ثبت نشده» صرفاً مورد حمایت حقوق سرمایه‌گذاری خارجی

۱. به طور مثال قسمت ۲ بند ب ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی ایران مورخ ۱۳۸۱ بیان می‌دارد «در مورد ارقام سرمایه‌ای موضوع بند "د" ماده (۱) قانون (شامل حق اختراع، دانش فنی، اسامی و علائم تجاری و خدمات تخصصی) سازمان پس از انجام بررسی‌های لازم، گزارش مربوط به ایفای تعهدات قراردادی موضوع قراردادهای فن‌آوری و خدمات را در هیئت مطرح می‌نماید و وجوه تأییدشده در چارچوب دستورالعملی که هیئت تهیه و به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رساند، توسط هیئت به عنوان سرمایه خارجی ثبت و تحت پوشش قرار می‌گیرد». به عبارت دیگر، چنین سرمایه‌هایی بدون اخذ ثبت در داخل کشور، مورد حمایت قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی ایران قرار می‌گیرد هرچند بدون ثبت ممکن است به جهت حقوق مالکیت فکری در ایران مورد حمایت قرار نگیرد.

در دولت میزبان خواهد بود، در حالی که مورد حمایت حقوق مالکیت فکری در دولت میزبان نخواهد بود. در این نگرش، «تقاضا» برای ثبت داخلی اختراعات نیز می‌تواند به عنوان بخش جدایی ناپذیر از اموال سرمایه‌گذار به حساب آید، همان‌طور که سایر حقوق ناملموس مثل علائم تجاری مشهور^۱ و طرح‌های صنعتی^۲ این‌گونه هستند. «تقاضای ثبت اختراع» می‌تواند از منظر معاهده سرمایه‌گذاری خارجی «مال ناملموس» تلقی شده و در نتیجه واجد شرایط برای سرمایه‌گذاری مورد حمایت باشد (Boie, 2010: 9). برای مثال، عموماً تقاضای ثبت اختراع و در برخی دولت‌ها تقاضای ثبت علامت تجاری، می‌تواند فروخته و به اشخاص ثالث منتقل شود. در این موارد، تقاضاها در زمره اموال ناملموس مورد حمایت در معاهده سرمایه‌گذاری خارجی قرار می‌گیرد (Mercurio, 2012: 878).

برای عبور از محدودیت ثبت اموال فکری خارجی جهت حمایت به عنوان سرمایه خارجی، برخی از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی مفهوم گسترده‌ای از حق اختراع را پیش‌بینی کرده‌اند. به‌طور مثال، معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی میان آمریکا و جامائیکا «اختراعات قابل ثبت»^۳ را در قلمرو حمایت معاهده وارد می‌کند. این عبارت‌پردازی، «تقاضاهای ثبت اختراع» را نیز در بر می‌گیرد (Correa, 2004: 9). برخی معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری حتی اختراعات تقاضا نشده یا غیرقابل ثبت را هم در بر می‌گیرد. به‌طور مثال، در معاهده سرمایه‌گذاری خارجی میان آمریکا و مغولستان اصطلاح مالکیت فکری شامل «سرمایه‌گذاری در تمام زمینه‌های تلاش بشری»^۴ شده است. این تعبیر مسلماً همه حقوق مالکیت فکری را شامل می‌شود، چه برای ثبت مناسب باشند چه نامناسب و چه ثبت شده باشند یا ثبت نشده باشند (Correa, 2004: 10).

مشکل مذکور در رابطه با سایر حقوق وجود ندارد. این اعتقاد وجود دارد که عدم ثبت حقوقی مانند حق مؤلف و اسرار تجاری در کشور میزبان تأثیری در سرمایه

1. Famous Trade Marks

2. Industrial Design

3 Patentable Patents

4. investment in all fields of human endeavor

محسوب شدن این حقوق و حمایت ارائه شده در معاهدات سرمایه‌گذاری ندارد (Correa, 2004: 19). به عبارت دیگر با توجه به اینکه این حقوق برای حمایت نیازی به ثبت ندارند، لذا عدم ثبت این حقوق مانع سرمایه‌گذاری محسوب شدن آن‌ها نمی‌شود. با این حال، در خصوص آثار ادبی و هنری ممکن است دولت میزبان سرمایه‌گذاری^۱ و دولت منشأ مالکیت فکری^۲ یکسان نباشد. به عبارت دیگر طبق نظام حقوقی کنوانسیون برن، کشور منشأ کشوری است که اثر اولین بار در آن منتشر شده باشد (در سرزمین کشورهای عضو) و یا کشوری است که پدیدآورنده تابعیت آن را دارد (در سرزمین کشورهای غیر عضو). در این حالت، ممکن است آثار ادبی و هنری سرمایه‌گذاری شده مشمول حمایت نظام حقوقی مالکیت فکری نشود و صرفاً موضوع حقوق سرمایه‌گذاری خارجی قرار گیرد.^۳ به طور مثال، ممکن است فیلم‌نامه‌های شرکت فیلم‌سازی خارجی که ابتدا در کشور خارجی منتشر شده است، در کشور میزبان مورد حمایت مادی حقوق مالکیت فکری قرار نگیرد هرچند ممکن است مورد حمایت حقوق سرمایه‌گذاری خارجی قرار گیرد.

دوم - مدت حمایت از اموال فکری خارجی: ممکن است مدت حمایت از آثار فکری خارجی در معاهدات مالکیت فکری و معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی متفاوت باشد. حمایت از سرمایه‌های فکری در معاهدات مالکیت فکری نقطه پایان قانونی دارد (طبق کنوانسیون تریپس برای اختراعات حداقل ۲۰ سال و برای آثار ادبی حداقل ۵۰ سال) در حالی که این حمایت در معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی نقطه پایان قراردادی دارد. ممکن است در حالی که مدت حمایت از آثار فکری خارجی طبق معاهدات سرمایه‌گذاری پایان یافته باشد، حمایت از این آثار در چارچوب معاهدات مالکیت فکری استمرار داشته باشد و یا بالعکس.

1. Host State

2. State of Origin

۳. ماده ۳ کنوانسیون برن تابعیت نویسنده و محل نشر آثار را از معیارهای برخورداری از حمایت قرار داده است و همچنین ماده ۲۲ قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ایران از آثاری حمایت می‌کند که برای اولین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد. به نظر می‌رسد هدف مقنن از وضع این ماده قرار دادن این شرط برای جذب سرمایه‌های ادبی و هنری در کشور باشد (اندرز، احمدزاده و اکبریان، ۱۳۹۷: ۲۷).

سوم- حمایت ملی و بین‌المللی اموال فکری خارجی: گاهی مصادیق اموال فکری مورد حمایت در معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی فراتر از مصادیق مورد حمایت در حقوق داخلی است. برخی معاهدات سرمایه‌گذاری، نشانه‌های جغرافیایی، تنوع گیاهی و اطلاعات و برنامه‌های رمزگذاری شده را مصداق سرمایه خارجی مورد حمایت می‌دانند در حالی که این مصادیق لزوماً در حقوق داخلی مورد حمایت نیستند (Biadegleng, 2006:16). برای مثال، معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی ایتوپی و رژیم صهیونیستی مورخ ۲۰۰۳ نشانه‌های جغرافیایی و حقوق پرورش‌دهندگان گیاه را به عنوان دارائی‌های سرمایه‌گذار تعریف می‌کنند. این در حالی است که ایتوپی عضو سازمان جهانی تجارت و کنوانسیون بین‌المللی حمایت از تنوع جدید زیستی^۱ نیست و نشانه‌های جغرافیایی و حقوق پرورش‌دهندگان گیاه در قوانین داخلی این کشور در زمان انعقاد موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری حمایت نمی‌شوند. برای کشورهای در حال توسعه هیچ مزیت خاصی برای ذکر حقوقی که مطابق قوانین داخلی آن‌ها مورد حمایت نیست، وجود ندارد و بهتر است این کشورها از ذکر حمایت‌های فراتر از قوانین داخلی و تعهدات بین‌المللی اجتناب کنند (South Centre: 2005: 2). در هر صورت ذکر اموال فکری مورد حمایت در معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی برای دولت میزبان، مسئولیت حمایت از آن اموال را در چارچوب حقوق سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد می‌کند، ولو این مصادیق در حقوق داخلی و در چارچوب حقوق مالکیت فکری مورد حمایت نباشند.

۳. مصادیق حمایت از مالکیت فکری در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خارجی

هنگامی که مالکیت فکری به عنوان مصداقی از سرمایه خارجی در نظر گرفته می‌شود، مقررات معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی به همان اندازه‌ای که برای حمایت از سرمایه‌گذار خارجی اعمال می‌شود برای حمایت از دارنده مالکیت فکری نیز اعمال می‌شود (UNDP, 2005: 26). در حالی که موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مالکیت فکری تنها

1. International Convention for the Protection of New Varieties of Plants (UPOV) 1961

رفتار ملی^۱ و ملت کامله‌الوداد^۲ را اعطا می‌کند، معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی شرط رفتار ملی، ملت کامله‌الوداد، رفتار منصفانه و عادلانه^۳ و شرط داوری^۴ را برای سرمایه‌گذاری‌های تحت پوشش معاهده ایجاد می‌کند. (South Centre, 2005: 10)

۳-۱. شرط رفتار ملی

شرط رفتار ملی^۵ یکی از اصول کلیدی است که به طور معمول در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری وجود دارد. عبارات بکار رفته در مورد رفتار ملی از معاهده‌ای به معاهده‌ای دیگر متفاوت است. برخی از موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری رفتار ملی را به این صورت بیان می‌کنند: «رفتاری که به سرمایه‌گذاری خارجی اعطا می‌شود، باید به همان شیوه یا به همان اندازه مطلوب برای سرمایه‌گذار داخلی باشد». معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری انگلستان و چین گسترش رفتار ملی را تنها «به اندازه ممکن» لازم می‌داند. رایج‌ترین فرمول رفتار ملی آن است که «رفتار با سرمایه‌گذاران خارجی از رفتاری که در همان وضعیت یا اوضاع و احوال با سرمایه‌گذاران داخلی انجام می‌شود، نباید نامطلوب‌تر باشد» (UNCTAD, 1999: 37-38). هدف از درج شرط رفتار ملی در معاهدات این است که وضعیت سرمایه‌گذاری خارجی را در حد شرایطی که برای سرمایه‌گذار ملی وجود دارد ارتقا بخشد (دالزر و شروتر، ۱۳۹۱: ۲۸۷).

از سوی دیگر، شرط رفتار ملی در بسیاری از کنوانسیون‌های مالکیت فکری از جمله کنوانسیون پاریس (کنوانسیون حمایت از اموال صنعتی)، کنوانسیون برن (کنوانسیون حمایت از آثار ادبی و هنری)، کنوانسیون رم (کنوانسیون مالکیت فکری در مورد مدارهای یکپارچه) و همچنین در کنوانسیون تریپس (کنوانسیون جنبه‌های تجاری

-
1. National Treatment
 2. Most Favoured Nation Treatment
 3. Fair and Equity Treatment
 4. Arbitration Clause
 5. National Treatment

مالکیت فکری) نیز ذکر شده است.^۱ در کنوانسیون تریپس این استاندارد محدود به برخی استثنائات شده است (Correa, 2007: 5). این استثنائات شامل مسائل مربوط به منافع عمومی، بهداشت عمومی، تغذیه (ماده ۸)، عدم ثبت برخی اختراعات خاص (بند ۲ و ۳ ماده ۲۷)، افشای اختراعات خاص (ماده ۲۹)، صدور لیسانس اجباری (ماده ۴۰) و حفظ حقوق رقابت (ماده ۳۱) می‌شود.

برخی معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری فاقد هرگونه استثنایی بر شرط رفتار ملی است و برخی واجد استثنائاتی هستند که معمولاً شامل مسائل امنیتی و سیاسی، نظم عمومی، سلامت و بهداشت انسان و محیط زیست می‌شود (Boie, 2010: 14-15). تفاوت استثناهای مذکور در این دو نظام حقوقی ممکن است منجر به وضعیتی شود که رفتار تبعیض‌آمیز دولت میزبان با یک سرمایه‌گذار خارجی از منظر حقوق سرمایه‌گذاری خارجی نامشروع ولی از منظر حقوق مالکیت فکری مشروع باشد.

۲-۳. شرط رفتار ملت کامله‌الوداد

شرط رفتار ملت کامله‌الوداد،^۲ کشور میزبان را ملزم به تعمیم همان رفتار به کشور مقابل می‌کند که آن رفتار را به سرمایه‌گذاران هرکدام از کشورهای دیگر در همان حالت یا شرایط یا وضعیت‌های مشابه اعطا کرده است (UNCTAD, 1999: 5-6). این شرط ملت کامله‌الوداد تقریباً در تمام معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری وجود دارد. این شرط به سرمایه‌گذار خارجی اجازه بهره‌مندی از بالاترین استانداردهای رفتاری اعطا شده به سایر کشورها را می‌دهد (Boie, 2010: 11).

۱. ماده ۳ موافقت‌نامه تریپس مقرر می‌کند «هر عضو در مورد اتباع اعضای دیگر رفتاری را اتخاذ خواهد کرد که از رفتار متخذ در قبال اتباعش در خصوص حمایت از مالکیت فکری نامطلوب‌تر نباشد». بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون پاریس مقرر می‌کند «در مورد حمایت مالکیت صنعتی اتباع هر یک از ممالک عضو اتحادیه در سایر ممالک عضو از مزایایی که قوانین ممالک میزبور چه در حال حاضر و چه در آینده به اتباع خود اعطا کرده یا اعطا خواهد کرد برخوردار خواهند شد، بدون آنکه لطمه‌ای به حقوقی که به موجب قرارداد خاص پیش‌بینی شده وارد آید از همان حمایتی که اتباع آن ممالک بهره‌مند هستند برخوردار خواهند شد و از همان حق قانونی توسل به مراجع صالحه علیه هر تضييع حقی که بر آنها وارد آید به شرط انجام تشریفات مقرر برای اتباع داخله استفاده خواهند کرد».

برخی از معاهدات سرمایه‌گذاری هم «سرمایه‌گذاران خارجی» و هم «سرمایه‌گذاری»‌های آن‌ها را مشمول رفتار ملت کامله‌الوداد می‌داند. برای مثال، موافقت‌نامه نفتا و معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری آلمان، سوئیس و انگلستان از این جمله است. برخی دیگر مثل معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری آمریکا شرط ملت کامله‌الوداد را تنها به «سرمایه‌گذاری» اعطا می‌کند. رویکرد دیگری در معاهده سرمایه‌گذاری فرانسه دنبال می‌شود که طبق آن شرط ملت کامله‌الوداد به «سرمایه‌گذاران» با توجه به سرمایه‌گذاری‌شان اعطا می‌شود (Boie, 2010: 6).

شرط ملت کامله‌الوداد در کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق مالکیت فکری پیش از تریپس وجود نداشت. این شرط در ماده ۴ تریپس ذکر شده است. این ماده بیان می‌دارد «در زمینه حمایت از مالکیت فکری، هرگونه مزایا، منافع، امتیازات و معافیت‌های اعطایی توسط هر یک از اعضا به اتباع سایر کشورها، بلافاصله و بدون شرط به اتباع هر عضو دیگر، تسری پیدا خواهد کرد». این ماده امتیازات ناشی از موافقت‌نامه‌های معاضدت قضایی، کنوانسیون برن، کنوانسیون رم و حقوق مجریان و تولیدکنندگان رسانه را از اصل ملت‌های کامله‌الوداد مستثنا کرده است (فتحی‌زاده و بزرگی، ۱۳۸۳: ۳۱-۳۶).

در مجموع شرط ملت کامله‌الوداد در معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی حمایت‌های متفاوتی از مالکیت فکری به عمل می‌آورد. این حمایت متفاوت می‌تواند به دلیل تفاوت در ماهیت امتیاز باشد که در معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی ماهیت امتیازات، حمایت از تجارت و سرمایه‌گذاری است و در تریپس ماهیت امتیازات، حمایت از مالکیت فکری است. مثلاً افزایش دوره خاتمه حق از جمله امتیازات حقوق مالکیت فکری و کاهش تعرفه‌های گمرکی از جمله امتیازات حقوق سرمایه‌گذاری خارجی محسوب می‌شود.

حمایت متفاوت ممکن است مربوط به قلمروی حمایت در حقوق مالکیت فکری و حقوق سرمایه‌گذاری خارجی باشد. به طور مثال، موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری ایران و آلمان مقرر می‌کند «هر یک از طرف‌های متعاقد نسبت

به سرمایه‌گذاران طرف متعاقد دیگر و سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها رفتاری اعمال خواهد کرد که از رفتار اعمال شده نسبت به سرمایه‌گذاران هر کشور ثالث یا سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها در خصوص مدیریت، فعالیت، نگهداری، استفاده، بهره‌مندی، فروش و تصفیه سرمایه‌گذاری نامساعدتر نباشد.» قلمروی حمایت در این مثال، شامل مدیریت، فعالیت، نگهداری و غیره گسترده‌تر از قلمروی حمایت از دارنده آثار فکری در کنوانسیون تریپس است که موجب تفاوت دو نوع حمایت از سوی نظام حقوقی سرمایه‌گذاری و نظام حقوقی مالکیت فکری می‌شود (ن. ک. جوادی، ۱۳۹۲).

۳-۳. شرط رفتار منصفانه و عادلانه

اصل رفتار منصفانه و عادلانه^۱ نسبتاً مبهم است. معنای آن اغلب وابسته به اوضاع و احوال و شرایط خاص هر موضوع دارد. رفتار منصفانه و عادلانه در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی گاهی به عنوان شرطی برای رعایت «انتظارات مشروع» سرمایه‌گذار تلقی می‌شود، (دالزر و شروتر، ۱۳۹۱: ۲۲۰) گاهی این رفتار به «حداقل رفتار بین‌المللی» تعبیر شده است (OECD, 2004: 12). در این زمینه، یک سرمایه‌گذار خارجی ممکن است ادعا کند حمایتی که به موجب معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری داشته است، نسبت به آنچه به وسیله کنوانسیون تریپس مقرر شده، کمتر است. شاید بتوان گفت کنوانسیون تریپس حداقل استاندارد بین‌المللی حمایت از مالکیت فکری را در رابطه با شناسایی، حمایت و اجرای حقوق مالکیت فکری ایجاد کرده است که لازم است به عنوان رفتار منصفانه و عادلانه مورد رعایت دولت عضو معاهده سرمایه‌گذاری خارجی قرار گیرد (OECD, 2004: 19).

در تریپس، رفتار منصفانه و عادلانه صرفاً در رابطه با آیین‌هایی برای اجرای حقوق مالکیت فکری درخواست شده است. طبق بند ۲ ماده ۴۱ این کنوانسیون «آیین اجرای حقوق مالکیت فکری باید منصفانه و عادلانه باشد. اجرا نباید به صورت غیرضروری پیچیده یا پرهزینه باشد و نباید حاوی مدت‌های غیرمعقول باشد و به طولانی شدن

1. Fair and equitable treatment

دادرسی بیانجامد». این کنوانسیون فاقد شرط رفتار منصفانه و عادلانه با معنای موردنظر معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی است.

۳-۴. شرط داوری بین‌المللی

معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری علاوه بر سازوکارهای رسیدگی قضایی و داوری داخلی، عموماً متضمن شرط داوری بین‌المللی برای رسیدگی به اختلافات میان دولت‌های عضو معاهده و یا دولت و سرمایه‌گذاران خارجی است. این داوری معمولاً طبق قواعد آنسیترال، اتاق بازرگانی، ایکسید و یا داوری موردی تشکیل می‌شود. در شیوه‌های حل و فصل اختلافات معاهدات سرمایه‌گذاری و به طور خاص در داوری بین‌المللی، امکان طرح دعوا از سوی دارنده اموال فکری علیه دولت میزبان وجود خواهد داشت (شهبازی و عزیززاده، ۱۳۹۱: ۱۰۶). این دعاوی اعم از جنبه‌های تجاری و غیرتجاری اموال فکری است که در دولت میزبان سرمایه‌گذاری شده است.

در مقابل، بر اساس ماده ۶۴ تریپس برای حل اختلافات میان دولت با دولت، سازوکار حل و فصل اختلافات در سازمان جهانی تجارت پیش‌بینی شده است (Liberti, 2010: 15). این شیوه موجب می‌شود کشور متبوع سرمایه‌گذار که به نمایندگی از سرمایه‌گذار اموال فکری عمل می‌کند، عواقب حمایت دیپلماتیک یک ادعا را در برابر کشور خارجی ارزیابی کند؛ اما جایی که منافع مالک اموال فکری با منافع دولت زاویه پیدا می‌کند این مشکل برای سرمایه‌گذار وجود خواهد داشت که چگونه از منافع خود دفاع کند، زیرا حق دسترسی اشخاص خصوصی در تریپس پیش‌بینی نشده است (Rutledge, 2012: 157). تریپس برای رفع این مشکل تلاش کرده است تا رجوع به سازوکار داخلی دولت میزبان را تشویق کند. به طور مثال، مواد ۳۲ و ۶۳ به دسترسی منصفانه و شفاف به سازوکار قضایی دولت میزبان اشاره کرده است. همچنین، باید توجه داشت که سازوکار تریپس صرفاً به اختلافات ناشی از جنبه‌های تجاری مالکیت فکری محدود می‌شود و نمی‌تواند به سایر جنبه‌های مالکیت فکری توجه کند.

در کنار تریپس، سازمان جهانی مالکیت فکری (واپو) نیز واجد سازوکار داوری

برای حل اختلافات ناشی از مالکیت فکری است. در این سازوکار، امکان مراجعه افراد خصوصی علیه دولت ها به داوری واپو وجود خواهد داشت. با این حال، مراجعه به داوری نیازمند رضایت طرفین در قرارداد فی مابین خواهد بود (رئیس، ۱۳۸۵: ۱۱۲)، برخلاف داوری بین المللی ناشی از معاهدات سرمایه گذاری خارجی که صرف انعقاد معاهده توسط دو دولت امکان توسل به این سازوکار برای سرمایه گذار فراهم خواهد بود.

در شرایطی که معاهده دوجانبه سرمایه گذاری و تریپس و واپو به طور هم زمان برای دولت میزبان و دولت متبوع سرمایه گذار (مالک اموال فکری) قابل اعمال باشد، رجوع به سازوکار تریپس صرفاً برای دولت میزبان آن هم در جنبه های تجاری سرمایه گذاری امکان پذیر خواهد بود و رجوع به سازوکار واپو صرفاً برای سرمایه گذار امکان پذیر خواهد بود، مشروط به آنکه رضایت صریح دولت میزبان در این رابطه وجود داشته باشد. در حالی که رجوع به سازوکار داوری بین المللی معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری اولاً، امکان توسل سرمایه گذار را بدون رضایت بعدی به داوری فراهم می کند و ثانیاً در صورت عدم توفیق سرمایه گذار امکان طرح دعوای دولت متبوع سرمایه گذار علیه دولت میزبان در چارچوب حمایت دیپلماتیک در برخی از این معاهدات پیش بینی شده است و ثالثاً، امکان طرح دعوا در جنبه های تجاری (مانند لیسانس اجباری و واردات موازی) و جنبه های غیرتجاری (مانند دسترسی به عدالت و شناسایی حقوق مالکیت فکری) وجود خواهد داشت. لذا، در مجموع به نظر می رسد که سازوکار حل و فصل اختلاف در معاهدات سرمایه گذاری خارجی شرایط مساعدتری برای سرمایه گذار خارجی اموال فکری فراهم می کند.^۱

۱. با این حال، شیوه حل و فصل اختلاف در سرمایه گذاری خارجی در مواردی نامساعدتر از رسیدگی در مرجعی مانند مرجع مرجع حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت در چارچوب کنوانسیون تریپس است؛ هزینه بیشتر رسیدگی داوری تجاری بین المللی نسبت به سازمان جهانی تجارت، منافع داوران بین المللی از کشورهای توسعه یافته در حمایت از شرکت های فراملی در برابر دولت میزبان، محرمانه بودن برخی داوری های تجاری بین المللی و اتکای کمتر به رویه داوری بین المللی در داوری های سرمایه گذاری خارجی نسبت به رسیدگی سازمان جهانی تجارت از این جمله است (Yu, 2017:851-854).

۴. مصادره مالکیت فکری در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خارجی

حمایت در مقابل مصادره نه تنها به اموال ملموس یا اموال فیزیکی بلکه به طیف گسترده‌ای از حقوق مربوط می‌شوند که اهمیت اقتصادی برای سرمایه‌گذار دارند (Christie, 1962: 311). بنابراین، اموالی که ممکن است مصادره شوند شامل حقوق معنوی و منافع نیز می‌شوند. همان‌طور که در مباحث قبلی توضیح آن گذشت حقوق مالکیت فکری می‌تواند مصداقی از سرمایه خارجی محسوب شود و لذا حمایت از مقررات مربوط به مصادره در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری می‌تواند به حقوق مالکیت فکری هم تسری یابد.

رویه دولت‌ها مصادره را به عنوان یک حق پذیرفته است و حتی معاهدات سرمایه‌گذاری نوین نیز آن را تأیید کرده و به رسمیت شناخته است (دالزر و شروتر، ۱۳۹۱: ۱۵۱). در حقوق بین‌الملل، ملی‌سازی یا مصادره مشروع دارای شرایطی است: مصادره باید در راستای منافع ملی باشد، بدون تبعیض باشد، همراه با تشریفات قانونی باشد و همراه با جبران خسارت باشد (حسیبی، ۱۳۹۰: ۱۴۷). لازم به ذکر است که مصادره نامشروع آستانه بالاتری برای جبران خسارت دارد (Mafi, 2011: 85).

برخی معاهدات بین‌المللی، مصادره‌های مستقیم و غیرمستقیم (یا مصادره و اقدامات دارای تأثیر معادل) را منع می‌کنند. به طور مثال، بخش ۱۱ موافقت‌نامه نفتا مصادره را ممنوع می‌کند: «هیچ‌یک از طرفین نباید سرمایه‌گذاری یک سرمایه‌گذار از طرف دیگر را در قلمرواش به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مصادره یا ملی کند یا اقدامی معادل ملی‌سازی یا مصادره چنین سرمایه‌ای را انجام دهد...» همچنین منشور انرژی هم مقرر می‌کند: «(۱) سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران یک طرف متعهد در قلمرو هر طرف متعهد دیگر نباید ملی، مصادره یا مشمول اقدام یا اقدامات دارای تأثیر برابر با ملی‌سازی یا مصادره... شوند». مصادره غیرمستقیم یا خزنده زمانی رخ می‌دهد که اقداماتی غیر از یک مصادره واقعی منجر به از بین رفتن مدیریت یا کنترل یا کاهش قابل توجه ارزش اموال سرمایه‌گذار خارجی می‌شود (UNCTAD, 2000: 14). این امر می‌تواند از طریق مداخله توسط دولت در استفاده از آن مال یا با بهره‌مندی از منافع

حتی جایی که مال ضبط نشده است و مالکیت قانونی مال تحت تأثیر قرار نگرفته است، رخ دهد (OECD, 2004: 3-4). به عبارت ساده‌تر، «مصادره غیرمستقیم عبارت است از هرگونه دخالت عمدی و غیرمعقول دولت نسبت به مال مشخص، به نحوی که بتوان نتیجه‌گیری کرد مالک مال برای همیشه از بهره‌مندی، برخورداری و حق واگذاری مال خود محروم گردیده است» (پیران، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴: ۳۹۳).

چنانچه ارزش مالکیت فکری در یک سرمایه‌گذاری خارجی به واسطه تصمیم‌های مقام‌های دولتی کاهش یابد ممکن است ادعای مصادره غیرمستقیم برای این حقوق مطرح شود. در ذیل لیسانس اجباری و ضبط مالکیت فکری به عنوان مصادیقی از مصادره غیرمستقیم در سرمایه‌گذاری خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. لیسانس اجباری^۱

حقوق مالکیت فکری به عنوان یک اصل به دارندگان آثار فکری، حقوق انحصاری اعطا می‌کند؛ به این صورت که دارندگان حق، قدرت قانونی برای ممانعت اشخاص ثالث از استفاده، ساخت یا تجاری‌سازی اختراع، علامت یا اثر حمایت شده را دارند. با این حال، چنین قدرتی مطلق نیست و حقوق انحصاری ممکن است دارای استثنائاتی باشد. در یک سو قوانین ملی ممکن است مواردی را تعیین کنند که اشخاص ثالث می‌توانند بدون نقض حقوق مالکیت فکری قابل اجرا از اثر فکری استفاده کنند، مثل استفاده از یک اختراع ثبت شده برای اهداف خصوصی، آموزشی و تحقیقات علمی (Correa, 2007: 14). همچنین یکی از استثنائات مذکور در ماده ۳۱ موافقت‌نامه تریپس لیسانس اجباری است. اصطلاح لیسانس اجباری به اوضاع و احوالی اشاره می‌کند که یک دولت برای وادار کردن مالک حق مالکیت فکری (معمولاً حق اختراع) برای اعطای مجوز استفاده از آن حق به دولت یا شخص ثالث دیگر مداخله می‌کند (Brid & Cahoy, 2008: 9). اعطای لیسانس اجباری (مجوز اجباری) در موافقت‌نامه تریپس منوط به رعایت شرایطی است. (رجوع کنید به ماده ۳۱ موافقت‌نامه تریپس)

از جمله شرایط لازم آن است که تلاش‌هایی برای کسب یک لیسانس داوطلبانه از دارنده حق اختراع در شرایط تجاری معقول انجام شود و در صورت صدور مجوز لازم است غرامت مناسب به دارنده حق پرداخت شود (Boie, 2010: 24).

چنانچه حق اختراع مصداق سرمایه خارجی باشد، صدور مجوز اجباری می‌تواند هم‌زمان مصداق مصادره نیز باشد. به طور مثال، زمانی که دولت برزیل درباره قیمت داروی مورد نظر ثبت شده با شرکت مرک^۱ به توافق نرسید، اقدام به صدور لیسانس اجباری کرد. لیسانس اجباری برزیل را به تولید و یا وارد کردن یک نمونه مشابه از دارو مجاز می‌کرد. شرکت مرک دولت برزیل را متهم به مصادره اموال فکری کرد (Rutledge, 2012: 149-151). هرچند شرایط مذکور در ماده ۳۱ موافقت‌نامه تریپس برای صدور لیسانس اجباری رعایت شده بود اما شرکت مرک موضوع را به عنوان یک «مصادره مالکیت فکری» در چارچوب حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری مطرح کرد. با این حال این ادعا به جایی نرسید، زیرا میان برزیل و امریکا معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی وجود نداشت (Ruse-khan, 2010: 17).

باید توجه داشت که لیسانس اجباری به انتقال مالکیت قانونی منجر نمی‌شود و مالکیت حقوق برای دارنده حق مالکیت فکری باقی می‌ماند لذا این موضوع ممکن است مالک را از طرح دعوی «مصادره مستقیم» بر اساس یک معاهده سرمایه‌گذاری محروم کند (Gibson, 2009: 18-19). با این حال، صدور مجوز اجباری در مواردی که منجر به سلب مالکیت عملی دارنده حق می‌شود می‌تواند مصداق «مصادره غیرمستقیم» تلقی شود. از آنجا که مصادره غیرمستقیم از جمله مصادره‌های نامشروع است، لذا در جایی که لیسانس اجباری مصداق مصادره محسوب شود قطعاً یک مصادره نامشروع خواهد بود.

در مواردی که صدور مجوز اجباری مصداق مصادره نامشروع باشد، سرمایه‌گذار خارجی حداقل به دو دلیل ترجیح می‌دهد به مصادره استناد کند. اول اینکه سرمایه‌گذار می‌تواند فراتر از محدودیت‌های معاهدات حقوق مالکیت فکری به «سازگار داور»

مذکور در معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری توسل جوید. دوم اینکه غرامت ناشی از ادعای مصادره میزان بیشتری نسبت به غرامت ناشی از ادعای صدور لیسانس اجباری به دنبال خواهد داشت. در واقع، جبران خسارت در لیسانس اجباری شامل نرخ حق الامتیاز می شود که مسامحتاً معادل «غرامت مناسب» است، در حالی که در جبران خسارت در مصادره نامشروع، شامل اعاده وضع به حال سابق می شود و در صورت عدم امکان «غرامت کامل» که شامل غرامت کافی، فوری و مؤثر است (فرمول هال) شیوه جبران خسارت خواهد بود (Boie, 2010: 26). همچنین غرامت ناشی از مصادره باید فوراً پرداخت شود، در حالی که حق الامتیاز به صورت اقساط و در طول زمان پرداخت می شود (South Center, 2006: 4). می توان نتیجه گرفت در شرایطی که صدور «مجوز اجباری» مصداق «مصادره نامشروع» باشد، استناد به مصادره در چارچوب حقوق بین الملل سرمایه گذاری خارجی متضمن امتیاز «شرط داوری» و «غرامت بیشتر» خواهد بود.

با این حال، برخی از معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری صریحاً حاوی مقررات خاصی در استثنای لیسانس اجباری از دعاوی تحت مقررات مصادره هستند. در این زمینه، الگوی معاهده دوجانبه سرمایه گذاری آمریکا بیان می کند «مقررات مصادره برای صدور لیسانس اجباری در رابطه با حقوق مالکیت فکری مطابق با موافقت نامه تریپس اجرا نمی شود». برخی موافقت نامه های تجارت آزاد مانند نفتا و موافقت نامه میان آمریکا و شیلی واجد عبارات مشابه در بخش های سرمایه گذاری شان هستند (Yin, 2009: 159).

۲-۴. ضبط مالکیت فکری (ابطال)^۱

مواردی وجود دارد که ممکن است حق اختراع باطل شود یا حقوق مربوط به آن قبل از انقضای مدت معمولی اعتبار حق اختراع ضبط شود. به طور کلی، یک حق اختراع ممکن است زمانی باطل شود که توسط دولت یا دادگاه کشف شود که قوانین حق اختراع یا سایر قوانین مربوطه را که بر مبنای آن ها حق اختراع اعطا شده است،

1. Revocation or Confiscation of Intellectual Property

نقض می‌کند. برای مثال، مشخص شود که اختراع فاقد کاربرد صنعتی بوده یا جدید نیست یا حق‌الامتیاز سالانه خود را پرداخت نمی‌کند.

برخلاف لیسانس‌های اجباری، راجع به تجویز یا ممنوعیت ابطال یا ضبط حق اختراع در تریپس اشاره‌ای نشده است. تنها مقرر در رابطه با این موضوع در تریپس، تضمین دسترسی به یک سازوکار قضایی راجع به ابطال یا ضبط حق اختراع است. ابطال و ضبط مالکیت فکری نیز می‌تواند مصداق مصادره غیرمستقیم باشد (Liberti, 2010: 11).

به طور مثال، شرکت فیلیپ موریس آسیا^۱ که در هنگ کنگ تأسیس شد در سال ۲۰۱۱ دعوایی علیه استرالیا به موجب معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری هنگ کنگ و استرالیا (Hong Kong - Australia BIT 1993) مطرح کرد. این شرکت در اختلاف با استرالیا استدلال کرد که قانون بسته‌بندی ساده منجر به محو مؤثر حقوق مالکیت فکری و از بین رفتن توجیه اقتصادی سرمایه‌گذاری او و تخریب اساسی ارزش فیلیپ موریس در استرالیا شده است. فیلیپ موریس معتقد است که محو علامت تجاری از محصولات شرکت، معادل محرومیت دائمی از حقوق مالکیت فکری است و در نتیجه به موجب ماده ۶ معاهده هنگ‌کنگ و استرالیا، این اقدام مصادره تلقی خواهد شد. در مقابل، استرالیا استدلال کرد که فیلیپ موریس از حفظ علامت تجاری‌اش محروم نمی‌شود، زیرا ممنوعیت استفاده از علائم فقط در شرایط خاصی است. استرالیا استدلال کرد که قصد او از این اقدامات مصادره نیست، بلکه این اقدامات تنها برای ارتقا بهداشت و حمایت بهداشتی از شهروندانش انجام می‌شود (International Arbitration Report, 2016: 9). همچنین در قضیه علامت تجاری شل، (Shell Brands International AG and Shell Nicaragua S.A. v Republic of Nicaragua. ICSID Case No, 2006) شرکت شل دعوایی را علیه دولت نیکاراگوئه برای نقض معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری نیکاراگوئه و هلند در واکنش به مصادره ادعایی لوگو و نام تجاری در ایکسید اقامه کرد. مطابق ادعای شل، نیکاراگوئه علائم تجاری شل را در تلاش برای اجرای حکم ۴۸۹ میلیون دلاری صادر شده در سال ۲۰۰۱ توسط دادگاه

1. Philip Morris Asia Limited's

نیکاراگوئه در دعوی سونیا علیه دو کمیکال (Sonia Eduarda Franco Franco, et al. v Dow Chemical, et al) توقیف کرده است. حکم مزبور به نفع بیش از ۵۰۰ شهروند نیکاراگوئه ای بود که ادعا کرده بودند توسط آفت کش دی بی سی پی که برای استفاده در مزارع موز در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تولید شده بود موجب نازایی شده است. نهایتاً، طرفین در مورد حل اختلاف به توافق رسیدند و ایکسید رسیدگی را به درخواست متقاضیان در ۱۲ مارس ۲۰۰۷ متوقف کرد.

در قضیه لی لی علیه کانادا، مرجع داوری بی اعتباری حق اختراع به استناد تجاری بودن اختراع طبق قانون مالکیت فکری کانادا را مصادره غیرمستقیم اموال در چارچوب کنوانسیون تجارت آزاد امریکای شمالی (نفتا) دانست و به همین دلیل کانادا را به ۵۰۰ میلیون دلار محکوم کرد (Okediji, 2014: 1121). مرجع داوری بدون تطبیق تعهدات ناشی از معاهدات حقوق مالکیت فکری با تعهدات ناشی از نفتا صرفاً بر اساس سند اخیر رسیدگی را انجام داد؛ چه بسا در چارچوب تریپس اقدام کانادا طبق بند ۱ ماده ۲۷ (ویژگی های حق اختراع) مشروع بوده است.

برخی معاهدات سرمایه گذاری خارجی موضوع ابطال حقوق مالکیت فکری را از حمایت های مربوط به سرمایه گذاری خارجی مستثنا ساخته اند. به عنوان مثال، موافقت نامه تجارت آزاد بین شیلی و ایالات متحده آمریکا تصریح می کند که مقررات مصادره و جبران خسارت برای ابطال یا محدودیت حقوق مالکیت فکری تا اندازه ای که چنین ابطال یا محدودیتی مطابق با بخش ۱۷ (حقوق مالکیت فکری) باشد اجرا نمی شود (Laiberti, 2010: 11).

نتیجه گیری

حمایت از سرمایه گذاری خارجی مستلزم حمایت از مالکیت فکری است و متقابلاً حمایت از مالکیت فکری عامل مهمی در جذب سرمایه گذاری خارجی است. باید توجه داشت که حمایت از مالکیت فکری در معاهدات سرمایه گذاری خارجی موجب می شود تا عدم عضویت برخی کشورها در برخی معاهدات مهم مالکیت فکری

جبران شود. به عبارت دیگر، حمایت‌های حقوق سرمایه‌گذاری خارجی از آثار فکری خارجی تا حدودی حمایت‌های مورد نظر کنوانسیون‌های مالکیت فکری را - به طور ناخواسته - برای این کشورها پوشش می‌دهد.

سابقه نظام حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خارجی بیش از نظام حقوق بین‌الملل مالکیت فکری است. تاکنون قریب به ۳۰۰۰ معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی و تعداد زیادی معاهده تجارت آزاد و تعداد معدودی از معاهدات چندجانبه مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی منعقد شده است. در مقابل، حقوق بین‌الملل مالکیت فکری نیز واجد چندین کنوانسیون چندجانبه و یک معاهده جامع در چارچوب سازمان جهانی تجارت به نام موافقت‌نامه تریپس است. هرچند حمایت از مالکیت فکری در عموم منابع حقوق سرمایه‌گذاری خارجی صورت گرفته است، اما هدف حمایت در این معاهدات با هدف حمایت در معاهدات مالکیت فکری متفاوت است. حمایت از مالکیت فکری در معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی با هدف حمایت از سرمایه‌گذار است و به همین جهت در مواردی این حمایت فراتر از معاهدات مالکیت فکری می‌رود که به آن تریپس-پلاس اطلاق می‌شود.

اشکال مختلف مالکیت فکری در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی مصداق سرمایه خارجی تلقی شده است. این دسته از اموال حتی پیش از این معاهدات در موافقت‌نامه‌های مودت، تجارت و دریانوردی که به عنوان اسلاف معاهدات نوین سرمایه‌گذاری هستند نیز ذکر شده‌اند. مالکیت فکری در موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد نیز جایگاه برجسته‌ای دارد و حتی در برخی از این موافقت‌نامه‌ها فصلی تحت عنوان مالکیت فکری پیش‌بینی شده است. البته حقوق مالکیت فکری برای اخذ حمایت‌های حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خارجی باید توصیفات مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی را داشته باشد؛ یعنی باید حداقل واجد ویژگی‌های ورود سرمایه، پروژه طولانی‌مدت و وجود ریسک نیز باشد.

نظام حقوقی حمایت از اموال فکری خارجی در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذار خارجی و حقوق بین‌الملل مالکیت فکری از جهت موضوع مورد حمایت، مدت مورد

حمایت و ملی یا بین‌المللی بودن حمایت متفاوت است. در موارد موضوع مورد حمایت گاهی میان معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی اختلاف وجود دارد. به طور مثال، برخی معاهدات «تقاضای ثبت اختراع» را نیز در زمره اموال فکری خارجی برشمرده‌اند در حالی برخی دیگر صرفاً «ثبت اختراع» را قابل حمایت می‌دانند. در خصوص مدت حمایت از اموال فکری نیز ممکن است میان معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی و معاهدات مالکیت فکری اختلاف پیش آید. در مجموع، حمایت از اموال فکری خارجی در معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی یک «نقطه پایان قراردادی» دارد در حالی که در معاهدات مالکیت فکری یک «نقطه پایان قانونی» دارد. همچنین، برخی اموال فکری خارجی در حالی از سوی معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی حمایت می‌شود که از سوی نظام حقوق داخلی ناظر به حقوق مالکیت فکری حمایت نمی‌شود. موضوعی که تعارض حمایت ملی و بین‌المللی از اموال فکری خارجی را ایجاد می‌کند.

مشخص شد که شروط رفتار ملی، ملت کامله‌الوداد، رفتار منصفانه و عادلانه و داوری در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری در مجموع حمایت‌های بیشتری را نسبت به کنوانسیون‌های حقوق مالکیت فکری از اموال فکری سرمایه‌گذاری شده به عمل می‌آورند. شرط رفتار ملی مندرج در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری بدون استثنائات و محدودیت‌های مندرج در موافقت‌نامه تریپس است و اعمال حمایت از حقوق مالکیت فکری را افزایش می‌دهد. شرط رفتار کامله‌الوداد نیز اعمال حمایت از مالکیت فکری را نسبت به موافقت‌نامه تریپس گسترش می‌دهد و استثنائات پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه تریپس را شامل نمی‌شود. رفتار منصفانه و عادلانه استاندارد حمایتی است که در موافقت‌نامه تریپس و موافقت‌نامه‌های مالکیت فکری ذکر نشده است، در حالی که در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری برای جلوگیری از رفتار تبعیض‌آمیز و حداقل رفتار بین‌المللی برای سرمایه‌گذاران و سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها از جمله مالکیت فکری اعمال می‌شود. شرط داوری در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی شامل دعاوی سرمایه‌گذار- دولت می‌شود برخلاف سازوکار موافقت‌نامه تریپس که تنها دولت‌ها حق توسل به آن را دارند.

موضوع مهم دیگر در حمایت از مالکیت فکری در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خارجی مسئله مصادره است. در زمینه مصادره مستقیم مشکل چندانی بروز نمی‌کند و سلب مالکیت همانند سایر اموال ملموس با انتقال رسمی صورت می‌گرفت و باید شرایط سه‌گانه مشروعیت مصادره نیز رعایت می‌شد؛ اما مصادره غیرمستقیم که معمولاً با صدور ليسانس اجباری صورت می‌گیرد، با انتقال رسمی و توقیف فیزیکی همراه نیست، بلکه اقداماتی است که سبب کاهش ارزش و منافع اموال می‌شود. طرح دعوا به استناد مصادره در چارچوب حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خارجی برای سرمایه‌گذاران از دو جهت جبران خسارت بیشتر و رسیدگی طبق سازوکار داوری مفیدتر است.

تصویب معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی میان دولت‌ها در مجموع سطح حمایت از اموال فکری را در شرایطی که مصداق سرمایه‌گذاری خارجی باشند نسبت به کنوانسیون‌های حقوق مالکیت فکری افزایش خواهد داد. البته در برخی موارد نیز حمایت بیشتر از اموال فکری در این معاهدات مستثنا شده‌اند و در مواردی نیز حمایت کنوانسیون‌های حقوق مالکیت فکری بیش از معاهدات مذکور است. اعمال هم‌زمان نظام حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری خارجی و نظام حقوق بین‌الملل مالکیت فکری می‌تواند یک نظام ویژه‌ای برای حمایت بیشتر از اموال فکری خارجی سرمایه‌گذاری شده در دولت میزبان ایجاد کند که موجب ارتقای بخشی از حمایت‌های مندرج در حقوق بین‌الملل مالکیت فکری خواهد شد.

منابع

الف. فارسی

- اندرز، داود؛ احمدزاده، ابوالفضل و اکبری، زهرا (۱۳۹۷) «آثار مورد حمایت در پیش نویس لایحه حمایت از حقوق ادبی و هنری ایران»، *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۳۶-۱.
- باقری، سکینه و باقری، رحمان (۱۳۹۲) «نقش حقوق مالکیت فکری در حمایت از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تأثیر آن بر رشد و توسعه اقتصادی»، *کنفرانس*

- بین‌المللی حماسه سیاسی (با رویکردی بر تحولات خاورمیانه) و حماسه اقتصادی (با رویکردی بر مدیریت و حسابداری)، رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- پیران، حسین (۱۳۷۴) «مصادره غیرمستقیم در حقوق بین‌الملل و رویه دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده»، **مجله حقوقی**، دوره ۱۳، شماره ۱۸ و ۱۹، صص ۴۱۵-۵۲۹.
- جوادی، سعیده (۱۳۹۲) «مالکیت فکری در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قم، حقوق مالکیت فکری.
- جولیار، پاتریک و دیگران (۱۳۸۶) «تعریف سرمایه‌گذاری در اسناد و آراء بین‌المللی»، ترجمه سید محمدهادی راجی، **فصلنامه حقوقی گواه**، شماره ۸ و ۹، صص ۵۱-۵۶.
- حسینی، به آذین (۱۳۹۰) **دولت و سرمایه‌گذار خارجی: استانداردهای بین‌المللی**، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- خدمتگزار، محسن (۱۳۹۰) **فلسفه مالکیت فکری**، تهران: نشر میزان.
- دالزر، رودلف و شرور، کریستف (۱۳۹۱) **اصول حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری**، ترجمه سید قاسم زمانی و به آذین حسینی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- رئیسی، لیلا (۱۳۸۵) «بررسی و ارزیابی شیوه‌های حل و فصل اختلافات مربوط به مالکیت معنوی در واپیو و تریپس»، **مجله نامه حقوقی مفید**، دوره ۱۲، شماره ۵۸، صص ۱۰۷-۱۲۸.
- شهبازی، مرتضی، عزیززاده آرائی، فاطمه (۱۳۹۱) «رابطه حقوق ملی و بین‌المللی در دعاوی سرمایه‌گذار خارجی»، **پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی**، جلد ۱، شماره ۱، صص ۱۰۳-۱۲۱.
- فتحی زاده، امیر هوشنگ؛ بزرگی، وحید (۱۳۸۳) **بایسته‌های الحاق به سازمان تجارت جهانی در زمینه حقوق مالکیت فکری**، تهران: شرکت چاپ و نشر

بازرگانی وابسته به مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

- مهدوی، ابوالقاسم، برخورداری، سجاد (۱۳۸۷) «حقوق مالکیت فکری و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (مورد ایران)»، *مجله دانش و توسعه*، دوره ۱۵، شماره ۲۴، صص ۱۱-۳۵.

ب. انگلیسی

Biadegleng, Ermia Takeste (2006) "IP Rights under Investment Agreements: The TRIPS - PLUS Implication for Enforcement and Protection of Public Interest", .Research Paper South Centre.

Boie, Betram (2010) "The Protection of Intellectual Property Rights Through Bilateral Investment Treaties: Is There a Trips-Plus Dimesion", Swiss National Centre of Competence in Researc.

Brid, Robert & Cahoy, Daniel R. (2008) "The Impact of Compulsory Licensing on Foreign Direct Investment: A Collective Bargaining Approach", **American Business Law Journal Volume 45. Issue2**, pp 1-48.

Brown, Chester and Miles, Kate (2011) **Evolution in Investment Treaty and Arbitration**, Cambridge University Press.

Correa, Carlos M. (2004) "Bilateral Investment Agreements: Agents of New Global Standards for the Protection of Intellectual Property Rights ", Visited 15/4/2013, available at <http://www.grain.org/briefings/?id=186>.

Correa, Carlos M. (2007) **Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights, Acommentary on The Trips Agreement**, Oxford University Press.

Correa Carlos M. (2013) "Harzad in Bilateral Investment Treaties(BITs): Investor Rights v Public Health", South Bulletin, 69 Article.

Christie, GE (1962) "What Constitutes a Taking of Property Under International Law?", **British Year book of International Law**.

Eli Lilly v. Can. UNCITRAL, Notice of Arbitration (Sept. 12, 2013), available at <http://italaw.com/sites/default/files/case->

documents/italaw1582.pdf

Gibson, Christopher S (2009) "A Look at the Compulsory License in Investment Arbitration: The Case of Indirect Expropriation", Legal Studies Researcher Series Research Paper.

Hindman, David (2006) "The Effect Of Intellectual Property Regimes On Foreign Investments In Developing Economies", **Arizona Journal Of International & Comparative Law**, Vol. 23, No. 2, pp 467-492.

Liberti, Lahara (2010) "Intellectual Property Rights in International Investment Agreements: an Overview OECD Working Papers on International Investment", OECD Publishing.

Mafi, Homyoun (2011) "Controversial of Compensation in Cases of Expropriation and Nationalization: Awards of The Iran-United States Claims Tribunal", **Intl.J Humanities**, 701-18(1), pp. 83-102.

Mercurio, Bryan (2012) "Awakening the Sleeping Giant: Intellectual Property Rights in International Investment Agreements", **Journal of International Economic Law** 15(3), pp. 871-915.

Okediji, Ruth L. (2014) "Is Intellectual property "Investment"? Eli Lilly v. Canada and the International Intellectual Property System", **University of Pennsylvania Journal of International Law**, Vol. 35, No. 4, pp 1121-1138..

Peria, Elpidio V (2011) "Making Sense of BITs of IPRs in International Investment Agreements". Biodiversity, Innovation, Trade and Society (BITS) Policy Centre Regional Forum on Investments Quezon City. 21-22 September.

Ruse – Khan, Henning Grosse (2010) "Protecting Intellectual Property Under BITs, FTAs and Trips: Conflicting Regimes or Mutual Coherence?", Max Planck Institute for Intellectual Property and Competition Law Research Paper No. 11-02.

Rutledge, Peter B (2012) "Trips and BITs: an Essay on Compulsory Licenses, Expropriation and International Arbitration", **Carolina**

- Journal of Law Technology** 13 N.C.J.LN&Tech on, pp. 149-164.
- Schreuer, Christoph (2005) "Fair and Equitable Treatment in Arbitral Practice", **The Journal of World Investment & Trade**, Vol.6, No.3, pp 357-386..
- South Centre (2005) "Intellectual Property in Investment: The Trips-Plus Implications for Developing Countries", South Centre Analytical Note.
- UNCTAD (1999) "Most Favoured Nation Treatment". Series on Issues in International Investment Agreements United Nation, Newyork and Geneva.
- UNCTAD (2000) "Taking of Property", Series on Issues in International Investment Agreements.
- Vivas-Eugui, David (2003) "Regional and Bilateral Agreements and a Trips-Plus World. Trips Issues Paper", Quaker United Nation Office & International Centre for Trade and Sustainable.
- Yin, Tsai-lu (2009) "Compulsory Licenses for Access to Medicines, Expropriation and Investor-State Arbitration Under Bilateral Investment Agreements- Are There Issues Beyond the Trips Agreement?", Published by Max Planck Institute for Intellectual Property, Competition and Tax Law, Munich, Volume 40.
- Yu, Peter K. (2017) "The Investment-Related Aspects of Intellectual Property Rights", **American University Law Review**, Volume 66, Issue 3, pp. 829-910.